



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۲۶

داکتر نوراحمد خالدی

اعظم سیستانی و میرویس خان هوتکی!

25 اپریل 2025

محترم سیستانی!

برای حفظ مقام شما، به عنوان یک مؤرخ پرکار و متعهد افغان، پیشنهاد میکنم بار دیگر در مورد میرویس خان هوتک چیزی نوشته نکنید زیرا با هر نوشته شما در مورد میرویس خان هرچه تا حال مطلب خوب در مورد تاریخ این کشور نوشته کرده اید مورد سوال قرار می گیرد! زیرا به خاطر ابراز مخالفت با من، کوشش خستگی ناپذیر شما در کم کردن و بی اهمیت نشان دادن نقش میرویس خان هوتکی در طرد سلطه بیگانگان از این سرزمین و مقام والای ایشان در ایجاد پایه های یک دولت مستقل ملی افغانها که بلاخره به قیادت احمد شاه ابدالی به افغانستان معاصر منجر گردید، یک خیانت عظیم در تاریخ نویسی ملی افغانها خواهد بود.

من شخصاً به هیچصورت و هرگز در صدد کم کردن نقش سترگ امان الله خان در تاریخ افغانستان نبوده و نیستم. اما مثل اینکه شما نمیتوانید پدیده های مغلوق را تشخیص کنید و صرف هرچیز را سیاه و سفید می بینید. تبارز نقش میرویس خان به هیچ صورت در ضدیت با نقش والای امان الله خان در تاریخ افغانستان نیست، میان آنها بیش از سه صد سال فاصله زمانی موجود است و هرکدام به عنوان قاعد ملی نقش خود را در تاریخ این سرزمین در زمان خود ایفا کرده اند. اما شما با پیش پا انداختن موضوع ساعت، روز، ماه و سال قیام میرویس خان و مسایلی از این قبیل، در یک کوشش مذبحانه برای تخریب این روز تاریخی در حافظه تاریخی افغانها و تخریب مقام میرویس خان هستید. هرگاه شما معلومات دقیقتری در این موضوع دارید آنرا شریک سازید تا همه ممنون شما باشند.

لطفاً بدقت آنچه را در ذیل مینویسم بخوانید:

پیروزی قیام ۲۱ اپریل ۱۷۰۹ میلادی میرویس خان، تنها پایان اشغال گرجی ها نبود، بلکه آغاز تولد یک نهاد حقوقی جدید در نقشه سیاسی منطقه بود. میرویس خان با درکی فراتر از زمانه خود، بلافاصله اقدامات زیر را برای تثبیت حاکمیت ملی انجام داد:

۱. تأسیس نظام امارت ملی (National Emirate):

او از پذیرش لقب «شاه» در ابتدا خودداری کرد تا بر جنبه مردمی و انتخابی بودن حاکمیت خود تأکید کند. این اقدام، دولت او را از سلطنت های مطلقه صفوی و مغولی متمایز کرد و پیوند میان دولت و ملت (قبایل) را مستحکم ساخت. اما بعد از مطمئن شدن از این موضوع سکه بنام خود ضرب زد و اعلان پادشاهی کرد که جان ملکم دیپلمات انگلیسی آنرا در کتاب خود تایید کرده است.

۲. دیپلماسی فعال با قدرت های منطقه ای:

میرویس خان بلافاصله مکاتباتی را با امپراتوری مغولی هند (دولت دهلی) آغاز کرد. او با تکیه بر سوابق تاریخی پشتون ها در هند (لودی ها و سوری ها)، تلاش کرد تا قندهار را به عنوان یک «دولت حایل» (Buffer State) مستقل و متحد دهلی معرفی کند تا از فشار نظامی صفویان بکاهد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

۳. مشروعیت حقوقی و مذهبی:

استفاده از فتوای مکه در سطح بین‌المللی، پاسخی محکم به ادعاهای دربار اصفهان بود. این اقدام نشان داد که حاکمیت هوتکی بر پایه «حق تعیین سرنوشت» و دفاع از ارزش‌های دینی بنا شده است، نه شورش غیرقانونی.

۴. ضرب سکه و استقلال اقتصادی:

او با الگوبرداری از «روپیه شیرشاهی»، تلاش کرد تا نظام پولی مستقلی را پی‌ریزی کند. ضرب سکه در آن زمان، مهم‌ترین نشانه حقوقی استقلال یک دولت در نظام بین‌الملل به شمار می‌رفت. متعاقباً شاه اشرف هوتکی در اصفهان سکه طلای اشرفی را معرفی نمود که تا امروز این سکه‌های طلا به همین نام «اشرفی» در ایران معروف اند.

پشتون‌ها تجربه حکمرانی در هند (لودی‌ها و سوری‌ها) را در حافظه تاریخی خود داشتند. میرویس‌خان از این «میراث جهاننداری» برای ایجاد وفاق استفاده کرد. اقوام دیگر در آن مقطع فاقد یک رهبری سیاسی واحد بودند که بتواند فراتر از دفاع محلی، طرحی برای «تأسیس دولت» ارائه دهد.

پشتون‌ها در منطقه ما یک «توده جمعیتی پیوسته» (Contiguous Population) را تشکیل می‌دادند که تا امروز پا برجاست. برخلاف سایر اقوام که ممکن بود در واحات (Oases) یا شهرهای محصور و جدا از هم زندگی کنند، پشتون‌ها در سراسر این مسیر جغرافیایی حضور داشتند.

این پیوستگی به میرویس‌خان اجازه داد تا یک «شبکه ارتباطی قبیله‌ای» ایجاد کند که از قندهار تا مناطق قبایلی هم‌مرز با هند گسترش داشت. این یعنی قیام می‌توانست از یک نقطه شروع شود و به سرعت در یک پهنه وسیع انسانی تکثیر یابد.

اشاره به نکته جمعیتی تحلیل‌های فوق را از یک نگاه صرفاً سیاسی به یک تحلیل «ژئوپلیتیک و دموگرافیک» ارتقا می‌دهد. این نشان می‌دهد که میرویس‌خان با درک درست از «قدرت عدد و نفوس»، توانست انرژی نهفته در این توده انسانی را در مسیر استقلال ملی هدایت کند.

میرویس‌خان نه به عنوان یک رهبر قومی، بلکه به عنوان تنها رهبر دارای «ابزار قدرت» و «مشروعیت مذهبی» توانست خلأ قدرت را پر کند و دولتی بسازد که در نهایت چتر حمایتی برای تمام اقوام منطقه گردید.

توصیه می‌کنم به خاطر مخالفت با من، و یا کدام شخص دیگری، خود را در صف دشمنان افغان و افغانستان قرار ندهید. می‌ترسم این مخالفت با من تا حدی بالا رود که روزی با تأیید جعلکاری عبدالخالق لعلزاد، این دشمن درجه اول تاریخ افغان و افغانستان، میرویس‌خان را «بخارایی» قلمداد نمایید.

صحت کامل و سعادت برایتان آرزومندم.

(پایان)



آرشیف: مطالب نشر شده نور احمد خالدي